

نهضت جنوب، آخرین حرکت بزرگ ایلی

○ رحیم نیکبخت



کتابخانه ملی

○ نهضت جنوب (فارس، قشقایی و غائله آذربایجان)

○ تألیف: منصور نصیری طبری

○ ناشر: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱، ۱۸۵ ص، ۱۲۰۰۰ ریال

○ شابک: ۹۶۴-۷۷۶۸-۹۵-۵

مصاحبه با دست‌اندرکاران و شاهدان عینی «نهضت جنوب»، از دیگر مواردی است که بر اعتبار کتاب افزوده است.

در این اثر پس از یادداشت دبیر مجموعه، آقای کاوه بیات که به اهمیت موضوع کتاب می‌پردازد و مقدمه مؤلف؛ در فصل اول ایل قشقایی پس از شهریور ۱۳۲۰ در کانون توجه است.

در فصل دوم ایل قشقایی در آستانه نهضت جنوب موضوع بحث است. فصل سوم به چگونگی نزدیکی دو ایل بختیاری و قشقایی، در نتیجه حوادث آذربایجان می‌پردازد. عکس‌العمل دولت در مقابل نهضت جنوب موضوع فصل بعدی است.

قوام السلطنه در مهر ماه ۱۳۲۵ هیأتی را برای مذاکره با سران ایل قشقایی به شیراز می‌فرستد که کم و کیف این مذاکرات در فصل پنجم بررسی شده است. در فصول بعدی مصالحه و چگونگی خلع سلاح قشقایی‌ها مرور می‌شود. در فصل هشتم مؤلف به بررسی علل و انگیزه‌های این نهضت پرداخته است. چهل سند منتشر نشده از جریان این حرکت نیز به شکل بازنویسی شده قبل از کتابنامه و تصاویر و فهرست اعلام، گنجانده شده است که اطلاعات جدیدی در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار می‌دهد.

در آخرین فصل کتاب، سه موضوع عمده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

۱- آیا چنان که شایع بود قوام‌السلطنه در ایجاد نهضت مزبور سهم داشت یا نه؟

۲- انگلیسی‌ها در برابر نهضت جنوب چه سیاستی را در پیش گرفتند؟

۳- هدف قشقایی‌ها از رهبری و ایجاد نهضت جنوب چه بود؟

مؤلف در مورد موضوع نخست می‌نویسد:

«برخی نوشته‌اند که سرکوب شورش آذربایجان و کردستان بدون خشمگین کردن روسیه ممکن نبود، لذا قوام بر آن شد که با ایجاد یک شورش ضدکمونستی بزرگ و همه‌جانبه و در عین حال قابل کنترل در جنوب، در مقام چاره برآید. این شورش می‌توانست بهانه خوبی برای قوام‌السلطنه باشد تا بتواند وزرای توده‌ای را که علی‌رغم میل و صرافاً به دلیل اقتضای وقت در کابینه وارد کرده، کنار بگذارد و شورش کمونستی شمال غرب را سرکوب کند.» (ص ۹۳)

در مورد پرسش دوم هم که از طرف مطبوعات شوروی و رادیو مسکو و روزنامه‌های هوادار شوروی در ایران مطرح شده، مؤلف با بررسی اسناد، دخالت مستقیم دولت بریتانیا در این نهضت را رد نموده است ولی به گفته او:

«با توجه به نگرانی فراگیر بریتانیا از تهدیدات شوروی و فعالیت حزب توده، لاقلاً در سطوح میانی و محلی کارمندانش در ایران و منطقه، احتمال مداخله و فعالیت انگلیسی‌ها را نمی‌توان منتفی دانست. زیرا استقرار حاکمیت دولت مرکزی در مناطقی که جدایی‌طلبان کمونیست فعال بودند، (مانند آذربایجان و کردستان) به سود بریتانیا بود.» (ص ۹۶)

و اما در مورد موضوع سوم، ضمن آنکه فعالیت‌های روزافزون حزب توده که منافع ایلی و ملکی خونیان قشقایی را تهدید می‌کرد، بنابراین واکنش در مقابل این فعالیت‌ها امری طبیعی بود و در این فرصت بدست آمده قشقایی‌ها برای توسعه نفوذ و اقتدار خود تلاش می‌کردند. به ویژه آنکه در دوره پهلوی اول شدیداً سرکوب شده بودند:

«اگر چه مفاد موافقت‌نامه حاصله میان عشایر و دولت مبهم بود و به نظر می‌رسید که دولت به سادگی می‌تواند از تمامی این مواعید طفره برود، لیکن ناصرخان خشنود بود که توانسته است با دولت بر یک داد و ستد سیاسی دست یابد. او با این اقدام به دولت مرکز ثابت کرد که قادر است در حوزه بسیار وسیعی آشوب ایجاد کند.» (ص ۹۸)

آقای **نصیری طبری** که خود قشقایی است، در این کتاب یک مقطع حساس از تاریخ مهم این ایل را در بستر تاریخ ایران مورد بررسی قرار داده است. ولی به نظر می‌رسد که موضوعاتی چون واقعه سمیرم، یا مقاطع دیگری از تاریخ ایل قشقایی مانند: از پایان نهضت جنوب تا نهضت ملی شدن صنعت نفت، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا آغاز نهضت اسلامی به رهبری **امام خمینی (ره)** و... هم بایستی به شکل علمی مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرند.

پی‌نوشت:

۱. بیات، کاوه: شورش عشایری فارس ۱۳۰۹-۱۳۰۷، ه. ش، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۵